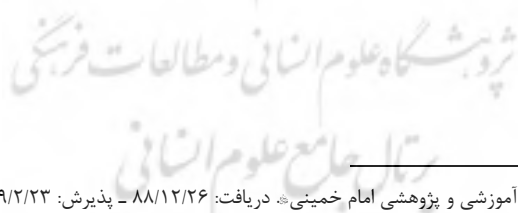


نقش التزام به آموزه‌های دینی در تربیت و استحکام خانواده

علی احمد پناهی*

چکیده

نهاد خانواده و عوامل مؤثر در تربیت و استحکام آن از مباحثی است که در آموزه‌های دینی مورد توجه جدی قرار گرفته است. در متون دینی توصیه‌های اخلاقی و اعتقادی و عبادی زیادی وجود دارد که التزام به آنها باعث تقویت و تربیت و استحکام خانواده می‌شود. نویسنده در این نوشتار تلاش کرده است تا آموزه‌های یاد شده را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و هدف این پژوهش نیز دستیابی به این آموزه‌ها می‌باشد. از این رو، در آغاز نگاهی گذرا به جایگاه عبادت و اعتقادات در خانواده پرداخته و پس از آن ضمن برشمردن نمودهای اعتقادات و اعمال عبادی به تبیین نقش هر کدام می‌پردازیم. روش نویسنده در بررسی خود، اسنادی بوده و با مراجعه به متون اصلی آموزه‌های اسلام به تبیین مسئله پرداخته است. کلیدواژه‌ها: خانواده، اعتقادات، عبادت، تربیت، اخلاق



مقدمه

در رابطه با عوامل تاثیر گذار در استحکام، تقویت و تربیت خانواده این سوال مطرح است که التزام به آموزه‌های اعتقادی و عبادی چه نقشی در تقویت بنیان‌های خانواده به ویژه در تربیت اخلاقی و معنوی آنان دارند. برای هر فرد مسلمان و معتقد روشن است که پرستش و ارتباط معنوی با خالق متعال، جوششی است از اعماق وجود انسان که شعاع نورش، زندگی و اجتماع را نورانی می‌نماید و به زندگی معنا و مفهومی صحیح می‌دهد. خاستگاه پرستش فطرت پاک و بی‌آلایش و جوهره ذاتی و حقیقی انسان بوده که اگر به صورت صحیح راهبری شود، انسان را به اهداف بلندش که همانا سعادت است، متصل می‌سازد. به همین سبب ترویج عبادت و اشاعه سنت ارزشمند نیایش به درگاه حضرت حق، سرلوحه تعالیم همه انبیا بوده است.

تعالیم و آموزه‌های اسلام در حوزه عبادت و نیایش، به دو بخش کلی تقسیم می‌شود که البته میان این دو ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. نخستین بخش این تعالیم را اعتقاد و ایمان به خداوند، پیامبران، امامان معصوم و جهان آخرت تشکیل می‌دهد. التزام عملی به اعمال و رفتارهای دینی، معنوی و عبادی که از طریق وحی و یا از طریق اولیای خدا رسیده، بخش دیگری از تعالیم و آموزه‌های اسلام را شامل می‌شود. در نوشتار حاضر، در صدد هستیم تا به جایگاه و نقش آموزه‌های عبادی و معنوی و اعتقادی در رابطه با خانواده و فرزندان پردازیم و با تحلیل و تفسیر آموزه‌های مربوط به نقش آنها در تربیت، تقویت و استحکام خانواده مبادرت ورزیم. روش ما در این پژوهش، تحلیلی و اسنادی خواهد بود.

الف) نقش باورهای اعتقادی در تحکیم خانواده

برخورداری همسران از باورهای دینی و اعتقادی در تحکیم خانواده تأثیر اساسی دارد. بیگانگی و بی‌توجهی آنها به اعتقادات و باورهای مذهبی، باعث مشکلات جدی در زندگی خواهد شد. قرآن کریم می‌فرماید: هر کس از یاد و ذکر من رویگردان شود در زندگی سختی قرار خواهد گرفت. (طه: ۱۲۴) پر واضح است که ذکر و یاد خداوند، از باور و اعتقاد درونی به خالق هستی و ایمان به توحید بر می‌خیزد. قرار گرفتن در زندگی سخت و ناگوار می‌تواند به دلیل حرص، ترس و اضطراب حاصل از این رویگردانی باشد.^۱

رویگردانی از باورهای دینی و اعتقادی، آرامش و لذت را از زندگی می‌ستاند و موجب حیرت و سرگردانی و احساس پوچی می‌شود. ممکن است علی‌رغم امکانات مادی و رفاهی خوبی که دارد، اما زندگی آرام و مطمئنی نداشته باشد.

در رابطه با تأثیر باورهای دینی بر آرامش روان علاوه بر آموزه‌های دینی، پژوهش‌های روان‌شناختی متعددی انجام گرفته که در ادامه بحث به آنها خواهیم پرداخت؛ در این قسمت از بحث فقط به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم.

شریل و لارسون^۲ در پژوهش‌های متعددی که روی افراد بیمار انجام دادند، دریافتند که اعتقادات مذهبی و باور به خداوند در بهبودی سریع‌تر ناراحتی‌ها دخالت دارد و بهبودی در افراد مذهبی به مراتب سریع‌تر و موفق‌تر از افرادی است که اعتقادی به خداوند ندارند. همچنین آقای پیترسون^۳ در مقاله خود با عنوان «جایگاه ایمان مذهبی در بهداشت روانی» نتیجه می‌گیرد که ایمان به خداوند و باور مذهبی در دوره‌های دشوار و تحمل‌ناپذیر از جمله در گرفتاری بدنی و روحی، به انسان آرامش می‌دهد.^۴

نمودهای باورهای دینی

باورها و اعتقادات دینی نمودهای مختلفی دارد که البته در طول یکدیگر هستند. این نمودها عبارت‌اند از:

۱. اعتقاد به خداوند

دین و باورهای دینی با ارائه یک چارچوب جامع برای تفسیر وقایع، و نیز ارائه پاسخ‌های مشخص و قانع‌کننده‌ای برای پرسش‌های وجود مانند اینکه از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم، تفسیری همه‌جانبه از حیات انسانی در اختیار می‌گذارد و خلأ زندگی را با ایجاد معنا برای لحظه لحظه آن برطرف می‌کند. سلامت‌بخش‌ترین جنبه دین، توانایی آن در فروکاستن از نگرانی‌ها و تشویش‌ها از طریق اعطای این اندیشه که یک احساس کنترل بر این دنیای مادی دارد و در سایه قدرت خداوند، می‌تواند بر مشکلات فائق شود. قدرتی که برترین قدرت‌ها و صاحب اراده و اختیار است. این باور همان اعتقاد به خدای یگانه است که مهم‌ترین باور دینی به حساب می‌آید.

توحید و خداپرستی موجب می‌شود نگرش فرد به همه هستی و زندگی انسان، هدف‌دار و معنادار باشد و در رفتارها با انسجام، وحدت رویه و آرامش عمل کند. باور به خدا، همه رفتارها و زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند، سوق می‌دهد. فردی که خدا را ناظر و همراه خود و حتی از رگ گردن به خود نزدیک‌تر می‌بیند، تلاش می‌کند در برخورد با اعضای خانواده و انجام وظایف خانوادگی، رضایت او را جلب نماید. توجه به عدالت خداوند و اینکه هیچ‌گونه ظلمی را روا نمی‌دارد و حق هیچ موجودی را ضایع نمی‌کند، زمینه شناختی دیگری برای مهار رفتاری اعضای خانواده است. هرچه این حالت قوی‌تر باشد، مشکلات فرد کمتر خواهد بود، و چنین افرادی به ناظر و داور بیرونی برای حل مشکلات خود نیاز نخواهند داشت. توجه به صفات خداوند، از جمله رحمت و مهربانی گسترده، توانایی نامحدود، حمایت از مخلوقات خود از جمله انسان و کفایت آنها، نیز آثار مثبت بر زندگی فرد و جنبه‌های خانوادگی او بر جای می‌گذارد. عطوفت و رحمت اعضای خانواده نسبت به هم که شعبه‌ای از تجلی رحمت خداوند است،^۵ زمینه پیشگیری و حل بسیاری از مشکلات است.^۶ توکل بر خداوند، یعنی اعتماد

و تکیه بر قدرت او در همه امور زندگی، از آثار ایمان به خداست. گاهی سستی اراده، ترس، غم، اضطراب و عدم اشراف کامل بر موقعیت‌ها موجب می‌شود فرد نتواند از روش‌های مقدور برای حل مشکل بهره‌برداری مناسب کند. توکل بر خدا باعث تقویت اراده و تأثیر کمتر عوامل مخل روانی شده و فرد را در کوشش برای حل مسائل زندگی و رسیدن به تعادل و سازگاری، توانا تر می‌کند.^۷ خانواده‌ها در طول زندگی، با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌شوند که برخی اقتصادی‌اند، مانند درآمد کم، ورشکستگی یا دزدیده شدن اموال و بیکاری، برخی به سلامت اعضا مربوط می‌شوند، مانند بیماری، معلولیت و مرگ، و برخی به روابط و مشکلات بازمی‌گردد. در چنین شرایطی توکل بر خدا، به تقویت اراده اعضای خانواده و کوشش بیشتر آنها کمک می‌کند. افزون بر این، در بن‌بست‌ها و شرایطی که به ظاهر همه اسباب و نشانه‌های مادی از عدم حل مشکل حکایت می‌کند، توکل بر خدا روزنه امید در برابر افراد می‌گشاید و گاه مشکلات را از راه‌هایی که افراد گمان نمی‌برند، حل می‌کند. پژوهش‌های تجربی نیز که درباره رابطه توکل و حرمت خود^۸ (عزت نفس) انجام شده مؤید این مطلب است. در تحقیقی که توسط محمدصادق شجاعی درباره رابطه توکل و حرمت خود انجام گرفت، این نتیجه حاصل شده که کسانی که بر خداوند توکل دارند، از حرمت خود (عزت نفس) بالایی برخوردار بوده و در زندگی احساس نیرومندی و کارآمدی می‌کنند. اینها در مشکلات زندگی مقاوم بوده و با اراده‌ای قوی که در سایه اعتماد به خداوند به دست آورده‌اند، بر مشکلات غلبه می‌کنند.^۹

اگر نگاهی به زندگی اولیای خدا و پیامبران و همچنین افراد موفق داشته باشیم متوجه خواهیم شد که در سایه توکل به خدا و حرمت خود بوده است. حضرت شعیب علیه السلام، علت توفیق و موفقیت خود را در مقابل مشکلات و تهدیدهای مشرکین این گونه بیان می‌کند: توفیق من فقط از خداست. به او توکل کردم و به سوی او باز می‌گردم. (هود: ۸۸) نکته مهم در خانواده، توصیه متقابل افراد به توکل است که این نکته برای زنان بیشتر اهمیت دارد و مثبت‌تر ارزیابی شده است؛^{۱۰} زیرا مسئولیت اصلی حل بیشتر مشکلات به‌ویژه اقتصادی بر عهده مرد است و تقویت روحیه او از جانب دیگران، اهمیتی ویژه دارد.

از آثار ایمان به خدا، تسلیم و رضا به مقدرات الهی است. پدیدآیی این حالت مبتنی بر فراهم شدن زمینه‌های شناختی و عاطفی است. فرد باید باور داشته باشد که همه رویدادهای جهان منوط به اذن خداوند و توانی است که او به اسباب و علل افاضه می‌کند. (کهف: ۳۹؛ اسراء: ۲۰) به‌علاوه، خداوند نه تنها نسبت به مصالح انسان‌ها آگاه‌تر است، بلکه خیرخواه‌تر و سعادت‌طلب‌تر از خود آنها نسبت به خودشان است؛^{۱۱} بنابراین، همه حوادث در جهت خیر و صلاح انسان‌ها روی می‌دهد. حالت رضایت به رضای الهی موجب می‌شود اعضای خانواده مشکلات را در زندگی، مثبت و تکامل‌بخش تلقی کنند و زمینه سازگاری با چنین حوادث بازگشت‌ناپذیری را فراهم کرده و اختلافات ناشی از این حوادث را آسان‌تر حل کنند. در همین

رابطه پژوهش‌های متعدد، تأثیر باورهای دینی بر رضایت‌مندی از ازدواج را تأیید کرده است. تحقیقات دیگر، دین را مهم‌ترین عامل ثبات و پایداری ازدواج اعلام کرده است.^{۱۲} در پژوهشی که توسط مجتبی حیدری در سال ۱۳۸۳ انجام گردید این نتیجه به دست آمد که بین دینداری و رضامندی خانوادگی رابطه‌ی زیادی است. هر مقدار نگرش دینی افراد قوی‌تر باشد، رضایت از زندگی آنان افزایش می‌یابد. یعنی هر چقدر اعتقاد به خداوند و دستورات او محکم‌تر باشد، زندگی زناشویی از ثبات بیشتری برخوردار بوده و آرامش بیشتری در خانواده حاکم خواهد بود.^{۱۳} هانت^{۱۴} (۱۹۷۸) پس از بررسی سازگاری زناشویی زوج‌ها اعلام کرد، مذهب و باورهای مذهبی، با سازگاری زناشویی و سازگاری و رضامندی از زندگی ارتباط دارد و این افراد سازگاری و رضایت بیشتری از زندگی دارند.^{۱۵}

۲. اعتقاد به رسالت و امامت

دومین باور دینی که رکن دین‌داری به شمار می‌رود، اعتقاد به رسالت انسان‌هایی از سوی خداوند است که به عنوان انبیای الهی در تاریخ شناخته شده‌اند. وصایت و جانشینی انبیا که در مذهب شیعه به «امامت» معروف است نیز در راستای تکمیل رسالت انبیاست.^{۱۶} در زندگی انسان، نقش باور به اصل نبوت و امامت به دو بعد، بازمی‌گردد: اولین بعد، آموزش امور دینی به ویژه زندگی بر اساس اصول دینی است. راه منحصر به فرد شناخت تعالیم دین، پس از کلام خداوند، سخنان پیامبر و جانشینان ایشان است، به گونه‌ای که حتی استفاده صحیح از کلام خداوند نیز مبتنی بر شناخت و درک سخنان اولیای دین علیهم‌السلام است. دومین بعد در رابطه با اعتقاد به رسالت و امامت، نقش الگودهی آنان است. اصل همانندسازی که در ضمن تقلید و الگوگیری از کودکی در انسان وجود دارد، عامل اساسی یادگیری است، به گونه‌ای که برای کودکان تقلید از الگوهای شایسته، هنگام حل مشکل یا در رویارویی با محیط اطراف، تأثیر بسیار مثبتی دارد.^{۱۷} افزون بر این، از میان شیوه‌های متعدد یادگیری، مشاهده الگو مؤثرترین و پایاترین روش‌هاست. در زمینه‌ی چگونگی روابط اعضای خانواده و نوع رفتارها نیز پیروی و همانندسازی با انسان‌هایی که تعالیم دین به طور کامل در آنها تجلی یافته، ضروری است. از آنجا که افراد برای یادگیری شیوه رفتار و برخورد مناسب در خانواده، به نمونه‌های عینی رفتاری در همه ابعاد زندگی نیازمند هستند، خواه ناخواه به سوی چنین الگوهای کشیده می‌شوند؛ از این رو ارائه نمونه‌های مناسب، برای کارایی بهتر افراد و خانواده‌ها و رویارویی با مسائل زندگی، سودمند خواهد بود. در این باره، قرآن افرادی را که به دنبال کمال معنوی هستند، دعوت می‌کند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را الگویی نیکو در زندگی در نظر گیرند.^{۱۸} همچنین در این جهت، رفتار اولیای دین علیهم‌السلام از اولین تا آخرین مرحله زندگی خانوادگی درس‌آموز است؛ مانند: گزینش همسر، مهریه و جهیزیه، مراسم ازدواج، آداب معاشرت در همه ابعاد، روش برخورد با فرزندان؛ همچنین برخورد با والدین الگوی قابل اعتماد و کاملی است.

۳. اعتقاد به زندگی پس از مرگ

سومین باور مهم دینی که می‌تواند در زندگی انسان‌ها نقش بسزایی ایفا کند، اعتقاد به زندگی پس از مرگ، حساب‌رسی اعمال در روز قیامت، و پاداش و مجازات افراد بر اساس رفتارهایشان است. هرچند اعتقاد به معاد بر همه ابعاد زندگی انسان‌ها تأثیرگذار است، در اینجا بیشتر بر جنبه‌های خانوادگی تأکید می‌شود. امروزه علی‌رغم پیشرفت‌های علمی و کاهش مشکلات زندگی، اضطراب‌ها و نگرانی‌ها رو به فزونی است. بخشی از این مشکلات بر اثر احساس بی‌هدفی و پوچی در زندگی است.^{۱۹} باور نداشتن به زندگی پس از مرگ نیز این مشکل را بیشتر می‌کند. این امر بر خانواده نیز اثر نامطلوب گذاشته است. در خانواده‌ای که تقید به اعتقادات نیست، به علت بی‌توجهی به اهداف متعالی، به کارکردهای محدود زندگی خانوادگی اکتفا شده و خانواده‌ها بر اثر بی‌هدفی به راحتی به جدایی و انحلال کشیده می‌شوند. اعتقاد به زندگی پس از مرگ، خانواده را متوجه اهداف پایداری می‌کند که موجب پیوند بیشتر اعضای خانواده می‌شود؛^{۲۰} از این رو، در خانواده‌های برخوردار از این باور با وجود مشکلات شدید، مانند معلولیت‌ها، افراد سال‌های طولانی از یکدیگر حمایت عاطفی کرده و احساسی رضایت‌بخش از زندگی دارند.

اثر دوم باور به معاد، ایجاد انگیزه در افراد و تشویق آنهاست. در کلمات اولیای دین علیهم‌السلام به پاداش‌ها و نعمت‌های اخروی اشاره شده که در ازای انجام وظایف خانوادگی به فرد داده می‌شود. توجه به این نعمت‌ها و آسایش در زندگی اخروی، افراد را برمی‌انگیزد که رفتارهای خود را در جهت کسب این نعمت‌ها، سوق دهند؛ برای نمونه، آیاتی از قبیل آیات ذیل، شوق افراد را در انجام وظایف بسیار تقویت می‌کند: «شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید. سینی‌هایی از طلا و جام‌هایی در برابر آنها می‌گردانند و در آنجا آنچه دل‌ها بخواهد و چشم‌ها از آن لذت ببرد، موجود است و شما در آن جاودانید، و این همان بهشتی است که به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید، وارث آن شده‌اید.» (زخرف: ۷۰ - ۷۲)

اثر سوم باور به معاد که بی‌ارتباط با اثر دوم نیست، نقش آن در مقابله مناسب با مشکلات است. خانواده‌ای که به فقدان عزیزی یا معلولیت گسترده یا مشکلات بسیار شدید اقتصادی دچار می‌شود، کمتر چیزی مانند باور به معاد می‌تواند او را تسکین دهد. اساساً برخی مشکلات جبران‌ناپذیر است و افراد تنها با توجه به پاداش‌های زندگی اخروی می‌توانند خود را آرامش بخشند.

اثر چهارم باور به معاد، نقش مهارکننده و بازدارنده آن است. بسیاری از مشکلات خانواده به عدم مهار رفتارهایی بازمی‌گردد که افراد را به تعدی به حقوق یکدیگر، تحمیل به دیگران و پرخاشگری‌ها می‌کشاند. باور به معاد و یادآوری عواقب بد تعدی به حقوق دیگران و عدم انجام مسئولیت‌ها، افراد را تا حدی از رفتارهای نامناسب بازمی‌دارد. برای نمونه، یکی از آثار بدخلقی در خانواده فشار روحی در عالم برزخ است، به گونه‌ای که حتی اگر فرد در ابعاد دیگر زندگی به

وظایف خود عمل کند، ولی در خانواده رفتار نامناسب بروز دهد، در عالم برزخ دچار فشار و سختی شدید می‌شود.^{۲۱} همچنین در کلمات اولیای دین علیهم‌السلام به عواقب بد رفتاری با همسر اشاره شده است^{۲۲} که توجه فرد به این عواقب ناخوشایند در زندگی اخروی، می‌تواند او را تا حدی از رفتار نامناسب بازدارد.^{۲۳}

ب) نقش اعمال عبادی در تحکیم خانواده

علاوه بر تأثیر باورهای دینی و اعتقادات مذهبی بر تحکیم خانواده، اعمال عبادی که جنبه عملی و ذکری دارند نیز تأثیر فراوانی در تحکیم خانواده دارد. در این قسمت از بحث به نمونه‌هایی از اعمال عبادی و کارکرد آنها می‌پردازیم و در آخر هر بحث به نمونه‌هایی از تحقیقات تجربی و میدانی نیز اشاره‌ای خواهیم داشت.

۱. نماز و خانواده

قرآن کریم می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از صبر و نماز کمک بگیرید. (بقره: ۱۴۵) نمازگزار علاوه بر اینکه از اقامه نماز نیرو و نشاط می‌گیرد، زمینه اضطراب و تشویش خاطر را در میان اعضای خانواده محدود می‌کند؛ به وسیله نماز و یاد خدا معنویت و نورانیت در دل اعضای خانواده به‌ویژه زن و شوهر نفوذ کرده و در آرامش خاطر و اطمینان قرار می‌گیرند. علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: یاد خدا باعث روشنایی سینه‌ها و آرامش دل‌هاست.^{۲۴} نماز همچنین با مهار زشتی و بی‌عفتی در خانواده، زمینه بحران در خانواده را، سد می‌کند. زیرا فجور و بی‌عفتی بنیان خانواده را سست می‌کند و استحکام آن را در هم می‌شکند. قرآن کریم یکی از ویژگی‌های نمازگزاران را پاکدامنی و حفظ عفت می‌داند؛ آنجا که می‌فرماید: نمازگزاران کسانی هستند که دامن خود را محافظت می‌کنند و از بی‌عفتی مصون هستند. (معارج: ۲۹)

تحقیقات تجربی که در این رابطه انجام شده نشانگر این مطلب است که نیایش و ارتباط با خدا یا به صورت مستقیم در رضامندی زناشویی و استحکام خانواده دخالت داشته و یا از طریق به وجود آوردن ویژگی و صفاتی در افراد که آن ویژگی‌ها در ثبات زندگی سهیم هستند. در این قسمت از بحث به نمونه‌هایی از آن تحقیقات اشاره می‌کنیم.

اسپراوسکی^{۲۵} و هاگستون^{۲۶} در تحقیقی میدانی و تجربی دریافتند افرادی که برای مدت طولانی با هم زندگی کرده بودند، مذهب و رفتارهای مذهبی را مهم‌ترین عامل رضایت‌مندی در ازدواج تلقی کرده‌اند. جریگان^{۲۷} و ناک^{۲۸} بعد از بررسی تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که انجام رفتارهای مذهبی، مهم‌ترین عامل ثبات و پایداری ازدواج است. گروهی از محققان رابطه بین رضایت‌مندی از ازدواج و استحکام خانواده را با مذهبی بودن زن و شوهر مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که مذهبی بودن در استحکام خانواده نقش مهم و مؤثری ایفا می‌کند.^{۲۹}

الکسیس کارل می‌گوید: نیایش، در روح و جسم تأثیر می‌گذارد و احساس عرفانی و احساس اخلاقی را توأمأ تقویت می‌کند. در چهره کسانی که به نیایش می‌پردازند، حس وظیفه‌شناسی، قلت حسد و شرارت، و نیکی و خیرخواهی نسبت به دیگران خوانده می‌شود. نیایش خصایص خود را با علامات بسیار مشخص و منحصر به فردی نشان می‌دهد: صفای دل، متانت رفتار، انبساط خاطر، شادی بی‌دغدغه، چهره پر از یقین و آمادگی برای پذیرش حق، از ویژگی‌های نیایش‌گران است.^{۳۰} پرواضح است که با وجود چنین ویژگی‌هایی در زن و شوهر، زندگی استحکام بیشتر و بهتری پیدا می‌کند.

از میان هشتاد پژوهش انجام شده از سوی کوئینگ^{۳۱} و لارسون^{۳۲} که حاوی اطلاعات آماری درباره التزام دینی و رفاه - اصطلاح وسیعی که دربرگیرنده اموری نظیر خوشبختی، رضایت از زندگی، خوش‌بینی و امیدواری است - ۷۹ پژوهش، ارتباط مثبتی بین آنها را گزارش کرده و تنها یک پژوهش ارتباط آنها را منفی می‌داند.

همچنین در تحقیقات انجام شده مشخص شد افرادی که التزام به فعالیت‌های مذهبی دارند، در مقایسه با دیگران، گرایش بیشتری به ازدواج پایدار دارند. بیشتر این افراد مشکلات ارتباطی، عدم توافق، عدم صداقت و مصرف مواد کمتری دارند.^{۳۳}

کوینگ و لارسون همچنین از تحقیقات خود نتیجه گرفتند که دلیل کافی برای اثبات این مسئله وجود دارد که رفتارهای دینی و مذهبی با رفتار بهنجار و سالم در ارتباط است. ایشان می‌گویند تحقیقات ثابت کرده که افراد مؤمن و ملتزم به دستورات دینی، کمتر دچار بی‌بندوباری جنسی، همسرآزاری و الکل هستند.^{۳۴}

در پژوهشی که نصیب‌البکاء و بنی‌اسدی انجام دادند و در آن به مقایسه عوامل فردی، اجتماعی و شخصیتی افراد در زوج‌های سازگار و ناسازگار کرمانی پرداختند، به این نتیجه رسیدند که عواملی همچون امور مالی، رابطه جنسی و باورهای مذهبی در گسستگی زندگی تأثیرگذار هستند و اعتقادات مذهبی نقش زیادی در استحکام خانواده دارند.^{۳۵}

در تحقیقی که مهکام از پرونده‌های دختران فراری و مصاحبه با آنان انجام داد این نتیجه به‌دست آمد که بیشتر دختران فراری از خانواده‌هایی هستند که یا کاملاً بی‌دین بوده و یا التزام آنها به دینداری در حد صفر بوده است. همچنین در یک نظرسنجی که از هفتاد دختر فراری نگهداری شده در مراکز مداخله و بحران شهر تهران، انجام شد این نتیجه به‌دست آمد که ۹۴ درصد دختران فراری در خانواده‌هایی زندگی می‌کرده‌اند که سطح اعتقاد و آگاهی آنان از مذهب و التزام عملی آنان به دین، در حد بسیار پایین بود. این خانواده‌ها آشفته و از استحکام لازم برخوردار نبوده‌اند.^{۳۶} توجه به تحقیقات ذکر شده بیانگر این نکته است که اعتقادات و باورهای مذهبی و انجام اعمال عبادی، نقش زیادی در استحکام و ثبات خانواده دارد.

۲. روزه و خانواده

روزه یکی از بزرگ‌ترین عبادت‌هایی است که در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام مورد تأکید قرار گرفته است.

یکی از فایده‌های بزرگ روزه، تربیت روح و تقویت اراده و تعدیل غرایز انسانی است، روزه‌دار با وجود گرسنگی، تشنگی و خودداری از لذت‌های دیگری که باید از آن چشم‌پوشد، روح و اراده خویشتن را تقویت می‌کند. از طریق روزه زمام نفس سرکش و شهوات و هوس‌ها مهار می‌شود. همچنین روزه واقعی زمینه‌آرتکاب گناهان مربوط به چشم، گوش، دست و پا را از بین می‌برد. زیرا روزه‌دار می‌داند که نباید چشم به حرام باز کند و نباید حرامی بشنود. امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

بدانید که روزه، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست...؛ پس هنگامی که روزه هستید، زبان خود را از دروغ حفظ کنید، چشم‌های خود را از حرام بیوشانید؛ با یکدیگر دعوا نکنید، به همدیگر حسد نوزید، غیبت یکدیگر را نکنید، با هم بحث و جدل ننمایید، دروغ نگویید، با یکدیگر مخالفت نکنید، بر هم خشم نگیرید، به یکدیگر ناسزا نگویید، همدیگر را آزار و اذیت نکنید، به دیگران ستم ننمایید، یکدیگر را به ستوه نیاورید و از یاد خدا و نماز غافل نشوید.^{۳۷}

توصیه‌ها و آموزه‌های این حدیث شریف را می‌توان به بهترین وجه در روابط زن و شوهرها به کار گرفت. رعایت این سفارش‌ها در خانواده و در برخورد با همسر، کانون خانواده را سرشار از انس و الفت می‌نماید، زن و شوهر را به هم نزدیک می‌سازد، دل‌های آنان را به همدیگر پیوند می‌دهد و استحکام خانواده را دوچندان می‌کند.

در تعالیم آسمانی و اسلامی نیز به متفاوت بودن افراد در دینداری توجه گردیده و به این نکته تأکید شده که دینداری برخی از افراد ظاهری و صرفاً لقلقه‌زبان است. حتی برخی افراد دین و ارزش‌های دینی را وسیله‌ای برای نیل به اهداف دنیوی و مظاهر دنیوی می‌دانند. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام ضمن تقسیم‌بندی عبادت‌کنندگان، می‌فرماید: گروهی خدا را به طمع و رغبت بهشت عبادت می‌کنند؛ عبادت اینها عبادت تجارت‌پیشگان است، گروهی خدا را از ترس جهنم و عذابش عبادت می‌کنند؛ این عبادت بردگان است و گروهی نیز خداوند را از سر سپاس عبادت می‌کنند؛ این عبادت آزادگان است و این بهترین عبادت است.^{۳۸} همچنین حضرت امام حسین علیه‌السلام در روایتی فرمودند:

به درستی که عده زیادی از مردم نوکر دنیا و طالب دنیا هستند و ارزش‌های دینی لقلقه‌زبانان است. تا موقعی از دینداری دم می‌زنند که معاش و زندگی دنیوی‌شان تأمین شود و اگر گرفتاری دنیایی به آنان رو کند و امتحان شوند، دینداران بسیار کم می‌شوند.^{۳۹}

گرچه همه این گروه‌ها به ظاهر مسلمان‌اند و بهره‌ای از دینداری دارند و در اسلام هیچ‌کدام از

این عبادت‌کنندگان و دینداران رد نشده ولی ارزش و ثمرهٔ اینها با همدیگر متفاوت خواهد بود. آن‌گاه عبادت خالص و واقعی خواهد بود که خداوند را به خاطر شایستگی‌اش برای عبادت، اطاعت و بندگی کنند. به این مرتبه از عبادت عدهٔ قلیلی رسیده‌اند و از مصادیق برجستهٔ این نوع عبادت‌کنندگان حضرت علی علیه السلام است که فرمود: خدایا تو را نه از ترس جهنم و نه به طمع رسیدن به بهشت عبادت می‌کنم، بلکه تو را شایستهٔ عبادت و فرمانبرداری و پرستش یافتنم، پس تو را عبادت کردم.^{۴۰} هرچقدر افراد بتوانند به سوی این قلّه (عبادت علی علیه السلام) حرکت کنند، اعتقاد و عبادتشان عمیق‌تر و پربارتر خواهد بود.

آثار تربیتی عبادات

هر یک از جلوه‌های عبادات آثار تربیتی و معنوی ویژه‌ای بر همسران و فرزندان دارد. آثار تربیتی عبادات بر همسران و کیفیت تأثیرگذاری آن با نوع تأثیرگذاری عبادات بر فرزندان متفاوت است؛ لذا به هر کدام از اینها به طور مستقل پرداخته می‌شود.

الف) آثار تربیتی عبادات بر همسران

جلوه‌ها و نمودهای تربیتی عبادات در همسران زیاد است که فقط به نمونه‌هایی اشاره می‌گردد.

۱. برطرف کنندهٔ تکبر

تکبر یکی از بیماری‌های روحی و اخلاقی است که آثار زاینباری در اجتماع به‌ویژه خانواده دارد. خیلی از اختلافات خانواده به دلیل تکبر و خودبرتربینی همسران یا یکی از آن دو است. کسی که روزی پنج‌بار با نهایت خضوع و خشوع (در نماز) در برابر پروردگار خود می‌ایستد و در هر نماز چندین بار به رکوع و سجود می‌رود و اظهار بندگی و تواضع می‌کند، نه تنها در مقابل خدا، بلکه در مقابل بندگانش هم تکبر نمی‌ورزد و روحیهٔ خودبرتربینی و فخرفروشی در او کاهش پیدا می‌کند. در دعا و مناجات با حضرت حق و در حج و روزه نیز وقتی روحیهٔ تسلیم‌پذیری در مقابل فرمان پروردگار در او ایجاد می‌شود، و به عظمت خدا در طواف و دعا اعتراف می‌کند، خود را کمتر از آن می‌بیند که خود را برتر از دیگران بداند و بخواهد نافرمانی نماید. حضرت علی علیه السلام دربارهٔ آثار عبادت به‌ویژه آثار نماز در کاهش و زدودن روحیهٔ تکبر می‌فرمایند: خداوند، ایمان را برای پاک کردن از نجاست شرک و نماز را برای پاکیزه کردن از پلیدی کبر و تکبر، واجب کرده است.^{۴۱} و در حدیث دیگری که از محضر پیامبر اعظم حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسیده می‌خوانیم: روزه هوای نفس و شهوت طبیعت حیوانی را می‌میراند (و طغیان آن را فرو می‌نشاند) و در آن صفای قلب و پاکی اعضا، و آبادی بیرونی و درونی انسان، و شکر بر نعمت‌ها، و احسان به فقرا و فزونی تضرع و خشوع و گریه است؛ همچنین وسیله‌ای است برای التجای به پروردگار و سبب شکستن دلبستگی‌ها و کم شدن گناهان و فزونی حسنات و در آن فواید بی‌شماری است.^{۴۲}

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: چون نماز معراج کمالی مؤمن است و نزدیک کننده افراد باتقوا به خداست، به دو چیز قوام پیدا می‌کند که یکی از آن دو، مقدمه دیگری است: اول، ترک خودبینی و خودخواهی، که آن، حقیقت و باطن تقواست، و دوم، خداخواهی و حق‌طلبی، که آن، حقیقت معراج و قرب است.^{۴۳} وقتی در خانواده‌ای، تکبر که یکی از رذایل اخلاقی است، مهار شود، بستری مناسب برای رشد فضایل اخلاقی و معنوی، مهیا می‌شود.

۲. برطرف‌کننده غفلت

غفلت، مفهوم گسترده‌ای دارد: بی‌خبری از شرایط زمان و مکان زندگی، از واقعیت‌های فعلی و آینده و گذشته خویش، از صفات و اعمال خود، از پیام‌ها و آیات حق و همچنین هشدارهایی که حوادث تلخ و شیرین زندگی به انسان‌ها می‌دهد. مراد ما در این بحث غفلت از یاد خدا و سرنوشت نهایی انسان است.

خطری که به وسیله «غفلت» از یاد خدا، متوجه کمال و پیشرفت انسان می‌شود، بیش از آن است که غالباً تصور می‌کنیم. غفلت سعادت ما را ویران می‌کند و مانند آتش، خرمن زندگی را می‌سوزاند و تمام امکانات و استعدادهای خداداد را بر باد می‌دهد. هنگامی که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معراج رفت، خطاب‌هایی از سوی خداوند دریافت نمود؛ از جمله اینکه: ای احمد! هرگز غافل مشو؛ هر کس از من غافل شود، نسبت به اینکه او در کدام راه نابود می‌شود، اعتنا نمی‌کنم.^{۴۴} این بیان به خوبی نشان می‌دهد که عاقبت غفلت از خداوند، هلاکت و نابودی است. زیرا سرچشمه بسیاری از گناهان بوده و حتی باعث می‌شود انسان از حیوانات هم پست‌تر گردد. (اعراف: ۱۷۹)

اعمال عبادی به‌ویژه نماز، دعا و حج، انسان را متوجه خدا و ارزش‌های معنوی می‌کند و انسان را از غفلت خارج ساخته و در مسیر فهم و دقت در اهداف خلقت قرار می‌دهد.

میرزا جواد ملکی تبریزی می‌گوید: اذان به عنوان یک عمل عبادی، دعوت برای ملاقات حضرت حق است. همان‌گونه که در روز قیامت برای عرضه بر خداوند فراخوانده می‌شوند، در این دنیا هم، با اذان مؤمنان به مجلس حضور و معراج و زیارت حضرت پروردگار خوانده می‌شوند.^{۴۵} احساس حضور در محضر حق، انسان را از غفلت خارج می‌کند و تذکر می‌دهد که باید هوشیار باشد و وظایف بندگی را به خوبی انجام دهد. وقتی اعضای خانواده به ویژه والدین، هوشیار شدند و از غفلت خارج گشتند، به وظایف تربیتی و اخلاقی نیز التزام خواهند داشت و این التزام آنان، در فرزندان نیز تاثیرگذار بوده و آنان را به سوی مسایل معنوی و تربیتی سوق خواهد داد و از طریق یادگیری مشاهده‌ای در آنان تاثیرگذار خواهد بود.

۳. باعث آرامش دل و صفای درون

ایمان به خدا و راز و نیاز با او به انسان امید و توان می‌دهد و انسان احساس می‌کند به پناهگاه

مطمئن و با قدرتی متکی است؛ از این رو احساس نشاط و توانمندی می‌کند. دلیل کارنگی^{۴۶} می‌نویسد: هنگامی که کارهای سنگین، قوای ما را از بین می‌برد و اندوه‌ها هر نوع اراده‌ای را از ما سلب می‌کند و بیشتر اوقات که درهای امید به روی ما بسته می‌شود، به سوی خدا روی می‌آوریم؛ ولی اصلاً چرا بگذاریم روح یأس و ناامیدی بر ما چیره شود؟ چرا همه‌روزه به وسیله دعا و مناجات و به جای آوردن حمد و ثنای خداوند، قوای خود را تجدید نکنیم.^{۴۷}

امام سجاده^{علیه السلام} در دعای خمس عشر می‌فرماید: پروردگارا! شادی و آرامش من در مناجات تو نهفته است و دوی بیماری و شفای قلب سوزانم و فرونشاندن شدن حرارت دل و برطرف شدن اندوهم، نزد تو است.^{۴۸}

ب - آثار تربیتی عبادات بر فرزندان

در شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی، رفتاری، شناختی، عاطفی، دینی، معنوی و ... عوامل چندی تأثیرگذار بوده و آنها را به وجود می‌آورند. یکی از عوامل تأثیرگذار و مهم در این عرصه، عوامل محیطی است. عوامل محیطی شامل خانواده، مدرسه، همسالان، محیط جغرافیایی، محیط اجتماعی و غیره می‌شود. در این بحث بیشترین توجه ما معطوف به محیط خانواده و به‌ویژه تأثیر والدین بر فرزندان است. خانواده به‌ویژه والدین به دلیل نخستین مربی بودن و ارتباط مستمر و زیاد با فرزندان، بیشتر تأثیر را بر ابعاد مختلف تربیتی کودکان دارند. به این دلیل در آموزه‌های دینی بیشترین توجه به نقش تربیتی والدین معطوف شده است. در مباحث روان‌شناختی نیز بیشتر روان‌شناسان به تأثیر والدین به شکل‌گیری شخصیت^{۴۹} و ویژگی‌های رفتاری فرزندان، پرداخته‌اند.

یونگ معتقد است: در مرحله کودکی، آنچه ممکن است شخصیت کودک خوانده شود چیزی نیست مگر انعکاس شخصیت والدین او. آنها می‌توانند تأثیر زیادی در شکل‌گیری ویژگی‌های کودک و فرزند داشته باشند.^{۵۰} اریکسون یکی دیگر از اندیشمندان روان‌شناسی بر نقش بی‌همتای والدین در فرزندان تأکید کرده و آن را عامل تعیین‌کننده می‌داند.^{۵۱}

در رابطه با نحوه تأثیرگذاری والدین در مسائل معنوی فرزندان، می‌توان به روش‌ها و اصولی اشاره داشت.

اصول و روش‌های تأثیرگذاری والدین

التزام والدین به مسائل عبادی و معنوی و همچنین همراه کردن فرزندان در این عرصه‌ها، بر اساس چند مبنا و اصل، در فرزندان مؤثر بوده و برکات تربیتی و معنوی ویژه‌ای بر آنان خواهد داشت. این مبانی و اصول عبارت‌اند از:

۱. تأثیر ظاهر در باطن

منظور از ظاهر، همهٔ اموری است که قابل مشاهده بوده و به صورت عینی و ملموس از انسان

سرمی‌زند؛ و مراد از باطن، مسائلی است که قابل مشاهده نیست و درونی می‌باشد مثل فکر، نیت، اراده، شناخت. هر عمل و کار ظاهری که از انسان سرمی‌زند گرچه تصنعی و غیر واقعی هم باشد، در درون و باطن انسان اثر می‌گذارد. لذا در آموزه‌های اسلامی سفارش شده تا انسان خودش را به حالات خاص درآورد تا تأثیرات آن کار در باطن هویدا شود. به عنوان مثال درباره گریه بر سیدالشهداء علیه السلام سفارش شده که در مجالس عزای حضرت گریه کنید و اگر نشد، حالت گریه (تباکی) به خود بگیرید^{۵۲} و در روایتی حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: اگر بردبار نیستی پس خود را بردبار جلوه بده، چه اندک پیش می‌آید که کسی خود را به گروهی شبیه سازد و جزو آنان نشود.^{۵۳}

حضرت لقمان علیه السلام به فرزندش توصیه می‌کند که به هنگام راه رفتن، با تفرعن و غرور بر زمین گام مزین (اسراء: ۳۷) حالت تکبر و غرور یک نقش و حالت ظاهری است که فرعونى شدن دل، حاصل آن است. پس اینجا نیز ظاهر بر باطن اثر کرده است. وقتی والدین تقید به عبادات و مسائل معنوی دارند و فضای منزل را با اعمال خود معنوی می‌سازند و وقتی فرزند خود را نیز در این فضای معنوی و روحانی قرار می‌دهند، بی‌گمان در فرزند نیز تأثیر معنوی و تربیتی گذاشته و او را به طرف خدا و دینداری جلب خواهند کرد.

۲. ظهور تدریجی شاکله و شخصیت

ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری انسان (شاکله) آرام‌آرام و به تدریج شکل می‌گیرد و همان طور که در ابتدای بحث اشاره شد، عوامل زیادی در آن تأثیرگذار هستند. یکی از عوامل عمده محیط خانواده به‌ویژه پدر و مادر است. پدر و مادر به وسیله اصلاح شرایط و معنوی ساختن آن، می‌توانند بسترهای لازم را برای رشد معنوی و تربیتی فرزندان مهیا کنند و شخصیت دینی به فرزند خود عطا نمایند.

زمانی که فرزند بیشتر اوقات خود را در فضا و محیطی عاطفی، دوستانه، باصفا و مملو از محبت پروردگار، سپری می‌کند، تمام بسترهای لازم برای شکل‌گیری شخصیتی دینی و معنوی فراهم بوده و شاکله وجودی فرزند، بر اساس دینداری شکل خواهد گرفت.

۳. مداومت و محافظت بر عمل

به این دلیل که ما درصدد شکل‌دهی شخصیت و رفتارهای فرزندان به نحو پایدار هستیم می‌باید در فرایند تربیت آنان از قواعدی پیروی کنیم که نتیجه دلخواه را به وجود آورد. یکی از قواعد مهم و نتیجه‌بخش در تربیت معنوی، قاعده مداومت و محافظت است. مداومت، ناظر به کمیت و محافظت، ناظر به کیفیت عمل است؛ مداومت بر عمل، استمرار آن را نشان می‌دهد و محافظت بر عمل، مراقبت و مراعات شرایط و ضوابط آن را بیان می‌دارد (شرایط و ضوابط عمل، اعم از ظاهری و باطنی است). همراهی مداومت و محافظت، ضروری است، زیرا مداومت بدون

محافظت، سازندهٔ عادات سطحی و خشک و بی‌روح است و محافظت بدون مداومت، اصلاً سازنده نیست.

در قرآن کریم یکی از ویژگی‌های افرادی که از نوسان و انحراف در امان هستند، مداومت بر نماز و محافظت از آن قرار داده شده. ... (انسان‌ها در خسرانند) مگر نمازگزارانی که بر نماز خود مداومت می‌ورزند... و آنان که بر نماز خود محافظت دارند. (معارج، آیات ۲۳-۳۴) اگر محافظت در نماز نباشد، نه تنها باعث رستگاری نمی‌شود بلکه باعث بیچارگی و خسران می‌گردد.^{۵۴} مداومت و تکرار و همچنین رعایت شرایط یادگیری و تأثیرگذاری از مباحث جدی و اساسی در تقویت ذهن، یادگیری بهتر و ایجاد شناخت، است. به طوری که در روان‌شناسی یکی از مهم‌ترین علل فراموشی اطلاعات از حافظه، بی‌توجهی به آن مطلب دانسته شده و همچنین یکی از راه‌های جلوگیری از فراموشی، تکرار و توجه جدی به آن مطلب است. همچنین عواملی از قبیل حواس‌پرتی، به خواب و خیال فرورفتن و بی‌علاقگی از عوامل کاهش تمرکز حواس، معرفی گردیده است.^{۵۵}

با توجه به نکات ذکر شده اولاً والدین می‌باید در اعمال عبادی خود استمرار و تکرار را رعایت نمایند و در هیچ شرایطی از اعمال عبادی غفلت نکنند و همچنین فرزندان را در جمع صمیمی و معنوی خود به‌ویژه در دعا و زیارت داخل کرده و آنان را به این کار عادت دهند. به عنوان مثال، پدر و مادر بایستی نماز، دعا، معنویات را در هر موقعیتی مثل عروسی، مسافرت، میهمانی، مریضی و... ملتزم باشند تا فرزندان عبادات را جدی تلقی کنند و هرگز این تصور برایشان پیش نیاید که عبادات برای زمان بیکاری و سرحالی است.

وقتی فرزندان التزام و استمرار پدر و مادر را در انجام مسائل معنوی به‌ویژه نماز، دعا و قرائت قرآن، مشاهده کردند، در ذهن آنها نقش بسته و تمایل قلبی و درونی به طرف معنویت ایجاد خواهد شد. به‌ویژه اگر والدین با توجه به روحیات و سن متناسب فرزندان، مسائل معنوی را آموزش داده باشند.

۴. زمینه‌سازی و آماده‌سازی موقعیت

حالات و ویژگی‌های رفتاری انسان‌ها در بستر شرایط و موقعیت می‌روید و از آنها تأثیر می‌پذیرد. از این رو موقعیت‌های مختلف، زمینه‌ساز و بسترساز خوبی برای شکل‌دهی رفتارها و حالات انسان‌ها می‌باشند. مهیا کردن زمینه‌های مناسب و موقعیت‌های مطلوب، به‌مثابهٔ عامل تسهیل‌کننده‌ای برای ظهور رفتارها و کردارهای مطلوب است.

در بحث تربیت معنوی فرزندان و در بحث تأثیرگذاری تربیتی - معنوی والدین بر فرزندان، توجه به اصل مذکور حیاتی می‌باشد. پدر و مادر با التزام به عبادات و اعمال معنوی و به دنبال آن جذب و قبول فرزندان در جمع صمیمی و معنوی خود، زمینهٔ تحول رفتاری کودکان را

فراهم می‌نمایند. وقتی پدر سعی می‌کند شرایط اقامه نماز و قرائت قرآن را با تهیه سجاده زیبا برای فرزندان و یا مکان مناسب برای نماز و دعا، آماده سازد، در واقع زمینه را برای مشارکت فرزند آماده کرده است. حتی برخی والدین پا را فراتر گذاشته و مرتب فرزندان را در این امر تشویق مادی و کلامی می‌کنند؛ بلکه به صورت مستقیم و غیرمستقیم صحبت از افراد و بچه‌هایی می‌کنند که علاقه‌مند به معنویت و عبادت هستند.

پرواضح است که در این موقعیت‌ها و بسترها، انگیزه کافی برای فرزندان وجود دارد تا خود را هم‌رنگ والدین کنند به ویژه اگر شرایط به گونه‌ای باشد که فرزندان بدون هیچ مشکلی بتوانند در مسائل عبادی مشارکت کنند. به عنوان مثال، در خانواده‌ای که دختر و پسر جوان و نوجوان حضور دارند و چه‌بسا ممکن است در خواب یا بیداری محتمل شوند و غسل جنابت نیاز داشته باشند، پدر و مادر حتی بایستی شرایطی فراهم کنند که فرزندان بدون خجالت و بدون دردسر، بتوانند خود را طاهر کنند و آماده انجام وظایف شرعی شوند.

۵. الگوگیری و اسوه‌پروری

یکی دیگر از اصول و راه‌کارهای اساسی و بنیادین در امر تربیت و انتقال مفاهیم و ارزش‌ها به دیگران، استفاده از اصل الگوگیری و اسوه‌پروری است. این اصل که در مباحث روان‌شناختی تحت عنوان «یادگیری مشاهده‌ای» مطرح گردیده، اهمیت زیادی در یادگیری و تأثیرپذیری دارد. آلبرت بندورا که از طرفداران جدی این اصل است، اعتقاد دارد بیشتر یادگیری‌های انسان و تأثیرپذیری‌های او، از طریق یادگیری مشاهده‌ای انجام می‌شود. ایشان اعتقاد دارد چیزهایی را که انسان به صورت سمعی و بصری مورد مشاهده قرار می‌دهد، تأثیرش از راه‌های دیگر بیشتر است. به عنوان مثال، ایشان می‌گویند وقتی ما فیلمی را به کودک یا بزرگسال نمایش می‌دهیم و یا در موقعیت اجتماعی با افراد خاصی ارتباط پیدا می‌کنیم، رفتارها و منش‌های آنان در ما تأثیر زیادی خواهد گذاشت. ایشان همچنین اعتقاد دارد هر قدر الگوی مورد مشاهده، احترام اجتماعی، شایستگی و تخصص، محبوبیت و جذابیت و رابطه عاطفی خوب با الگوگیرنده داشته باشد، تأثیرش زیادتر و بهتر خواهد بود.^{۵۶}

در آموزه‌های اسلامی به بحث الگوپروری و اسوه‌پروری تأکید شده و سفارش شده تا با اعمال و رفتار نیکو دیگران را دعوت به خیر و دینداری کنیم^{۵۷} و همچنین در قرآن کریم دستور داده شده که: در وجود رسول خدا ﷺ برای شما اسوه و الگوی نیکویی وجود دارد و هست. (احزاب: ۲۱)

وقتی والدین ملتزم به نماز، قرائت قرآن، دعا، زیارت و... هستند در واقع از چند ناحیه می‌توانند تأثیرگذار باشند. از طریق اسوه بودن، الگوی قابل مشاهده بودن، جایگاه عاطفی و اجتماعی داشتن و همچنین از طریق آماده کردن شرایط و موقعیت برای فرزندان می‌توانند تأثیر معنوی و تربیتی خوبی بر فرزندان داشته باشند.

به عنوان نمونه، وقتی والدین فرزندان را به زیارت مرقد مطهر امامان معصوم علیهم‌السلام و امامزاده‌ها می‌برند، علاوه بر اینکه این عمل آنان الگو دادن به فرزندان است، فرزندان را در معرض و موقعیت تحولی عمیق و ماندگار قرار می‌دهند. وقتی فرزندان به زیارت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام شرفیاب می‌شوند و با اعتقاد به اینکه آنان صدایشان را می‌شنوند و جوابشان می‌دهند و با اعتقاد به اینکه آنان منزلت و جایگاه بلندی پیش پروردگار دارند، شعله‌ی عشق آنها خرم‌جانان را می‌سوزاند و دل را مشتعل ساخته و آماده‌ی پرواز به سوی ارزش‌های به‌جا مانده از آنان می‌کند و به راهی می‌روند که اولیای دین رفته‌اند. زیارت در واقع ایستادن در مقابل آینه است؛ چراکه انسان با زیارت، خود را در میزانی عرضه می‌کند که او را مورد سنجش قرار دهد. وقتی ما در برابر یک معصوم و امام قرار می‌گیریم و در مزار پیشوایان دین، با شناخت، بصیرت و علاقه قلبی، حضور می‌یابیم و می‌دانیم که اینان کمال مجسم و عینیت فضیلت و جلوه‌های عبودیت و پاکی‌اند؛ در این صورت عظمت آنان ما را متوجه نقایصمان می‌کند و پاکی آنان ما را از نابهنجاری رفتاری مان واقف می‌کند. اطاعت آنان معصیت ما را محو می‌کند و نورانیت آنان تیره‌جانی و تاریکی دل ما را، نورانی می‌سازد. صفای آنان غل و غش ما را و خداترسی آنان، هواپرستی ما را، تعالی روح و رتبه والایشان، تنزل مقام و پستی منزل ما را، نمایان می‌سازد. حضور در مزار امامان پاک، ما را آگاه می‌کند که: اگر آنان در قلعه‌اند ما هنوز به دامنه هم نرسیده‌ایم. اگر آنان معصوم‌اند ما گرفتار معصیتیم. اگر آنان برگزیده‌ی خداوند ما در دام ابلیس و هوای نفس اسیریم. اگر آنان در اوج معراج معنوی‌اند، ما در هبوط مادی مانده‌ایم و اگر آنان بنده‌ی خداوند، ما در بند خودیم. زیارت به عنوان یک عمل عبادی، زمینه‌ساز این تقارن و مقایسه‌ها و محاسبه‌ها است و تا این سنجش انجام نگیرد به کاستی‌های اخلاقی و معنوی خود اطلاع نخواهیم یافت. وقتی زائر با رعایت ادب، زمزمه‌های ویژه، درد دل‌های عاشقانه و تواضع در محضر اولیای خدا حاضر می‌شود و ادای احترام می‌کند؛ اگر این حالات استمرار یابد، در وجود او درونی شده، او را تربیت خواهد کرد. به ویژه وقتی می‌بیند دیگران نیز این حالات را دارند، تأثیرش بیشتر خواهد شد.

نکته‌ای که در انتهای این بحث باید تذکر دهم این است که گرچه تکرار و استمرار در اثرگذاری و نقش‌آفرینی اهمیت زیادی دارد، به طوری که ما خیلی از عبادت‌ها را تکرار می‌کنیم و برخی از آنان مثل نماز و ذکرهای آن را روزانه تکرار می‌نماییم؛ حتی در روان‌شناسی تبلیغات، تکرار و استمرار از اصول تبلیغات شمرده شده و کارایی زیادی برای آن ثابت شده است؛ اما اگر در تکرار جذابیت و تنوع و نوآوری وجود نداشته باشد، ممکن است تأثیر منفی بگذارد و این امر در رابطه با تربیت فرزندان می‌باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد.

به عنوان مثال، اگر والدین فرزندان را به طور مرتب به زیارت حرم امامان معصوم ببرند و یا مرتب به دعا و قرائت قرآن دعوت کنند، بدون اینکه ملاحظه توانایی و رغبت بچه‌ها را در نظر

بگیرند و بدون اینکه تنوع و جذابیتی در کارها ایجاد کنند، ممکن است بچه‌ها، نفرت پیدا کنند و تمایل لازم را به این اعمال نشان ندهند. لذا می‌باید اعتدال و دقت لازم را داشت. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: هر کسی از چیزی خوشش نیاید و برایش جذاب نباشد، و آن را دشمن بدارد، دوست ندارد به آن بنگرد و نزد او از آن یاد شود.^{۵۸} از این فرمایش گهربار این استفاده برده می‌شود که باید کاری کنیم که فرزندان اعمال عبادی را با رغبت و شوق و علاقه انجام دهند و الا آثار منفی خواهد داشت.

نتیجه گیری

- نقش آموزه‌های اعتقادی در تربیت اعضای خانواده، بسیار اساسی است.
- تاثیر آموزه‌های عبادی در استحکام و تقویت خانواده، جدی و شگرف است.
- وظایف عبادی و اعتقادی افراد، به نحو شایسته و روشن در متون دینی بیان شده است.
- همسران از طریق الگو و اسوه بودن برای فرزندان، نقش زیادی در گرایش فرزندان به عبادت و معنویت دارند.
- در خانواده‌ای که التزام عملی به اعتقادات و عبادات وجود دارد، آرامش روانی، نورانیت درونی و مسایل اخلاقی موج می‌زند.
- امیدواری، پیشرفت مادی و معنوی و همینطور حس وظیفه‌شناسی نسبت به دیگران در خانواده‌های معتقد به آموزه‌های اعتقادی و عبادی، بسیار بالا است.



پی‌نوشت‌ها

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۲۷-۳۳۰.
2. Sherrill, Larson.
3. Peterson.
۴. علی‌احمد ابهری، نقش ایمان و اعتقاد مذهبی در درمان بیماری‌ها، ص ۲۸.
۵. متقی هندی، کنز العمال، ج ۵۶۶۷.
۶. محمدرضا سالاری فر، خانواده در تکرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۱۰.
۷. دیمانتو، روان‌شناسی سلامت، ج ۲، ص ۷۵۷.
۸. حرمت خود که همان «Self- esteem» است به معنای میزان ارزش و اعتباری است که شخص برای خود قایل است. به عبارت دیگر گستره‌ای است که فرد خود را در آن پهنه، توانا، مهم، موفق و باارزش می‌داند (محمدصادق شجاعی، توکل به خدا، ص ۹۸).
۹. همان، ص ۲۲۵.
۱۰. حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷.
۱۱. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۱۰۰، ۱۰۱.
۱۲. رک: باقر غباری‌بناب، «باورهای مذهبی و اثرات آنها بر بهداشت روان»، اندیشه و رفتار، ش ۴.
۱۳. مراد از دینداری در این پژوهش اعتقاد به خداوند و آموزه‌های دینی است و مراد از رضامندی، توافق زناشویی، رابطه مناسب با همسر، استحکام خانواده و همدلی بیشتر در زندگی است (مجتبی حیدری، دینداری و رضامندی خانوادگی، ص ۱۹۲ و ۲۰۲).
14. Hunt.
۱۵. همان، ص ۳۴.
۱۶. سیدمحمدحسین طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۸۰-۱۸۹.
۱۷. ناصر سقایی بی‌ریا، روان‌شناسی رشد با تکرش به منابع اسلامی، ج ۲، ص ۵۵۵.
۱۸. «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی هست، برای آنهایی که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند.» (احزاب: ۲۱)
۱۹. کارل گوستاو یونگ، روان‌شناسی و دین، ص ۸۵، ۱۳، ۱۲ و ۱۷۴.
۲۰. واکر هاپ، «دین به زندگی معنا می‌بخشد»، ترجمه اعظم پویا، نقد و نظر، ش ۱ و ۲ ص ۱۴۱.
۲۱. به عنوان مثال، سعد بن معاذ با وجود اینکه فردی درستکار بود به طوری که بعد از وفاتش پیامبر گرامی ﷺ او را غسل و کفن کرد، ولی فرمود او با خانواده‌اش بدخلقی کرده و ممکن است عذاب شود (مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۰).
۲۲. امام صادق ﷺ می‌فرماید: «از رحمت خدا به دور است زنی که شوهر خود را اذیت کند و ناراحتش نماید؛ و سعادت‌مند است زنی که شوهر خود را اکرام کند.» (همان، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳).
- پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «کسی که همسرش را بدون دلیل بزند، در روز قیامت من دشمن او خواهم بود.» (دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۷۵)
۲۳. محمدرضا سالاری فر، خانواده در تکرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۱۶.
۲۴. عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، فصل ۳۲، ص ۳۶۳، ج ۷.
25. Sparawski.
26. Houghston.
27. Jerrigan.
28. Nack.
۲۹. علی‌احمد پناهی، آرامش در پرتو نیایش، ص ۱۳۸.
۳۰. الکسیس کارل، نیایش، ترجمه علی شریعتی، ج ۸، ص ۳۲.
31. Koenig.
32. Larson.

۳۳. دیوید فونتانو، *روان‌شناسی دین و معنویت*، ص ۳۵۶.
۳۴. همان، ص ۳۴۳.
۳۵. علیرضا میراحمدی‌زاده و همکاران، «رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن» *اندیشه و رفتار*، ش ۳۲، ص ۵۷.
۳۶. رضا مهکام، *خانه‌گزینی دختران*، ص ۱۰۲.
۳۷. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۹۳، ص ۲۹۲.
۳۸. همان، ج ۷۵، ص ۱۱۷.
۳۹. همان.
۴۰. همان، ج ۶۷، ص ۱۸۶.
۴۱. *نهج‌البلاغه*، ترجمه عابدینی مطلق، حکمت ۲۵۲.
۴۲. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۹۳، ص ۲۵۴.
۴۳. امام خمینی «*آداب الصلوة (آداب نماز)*»، ص ۳۵۰.
۴۴. حسن بن محمد دیلمی، *ارشاد القلوب*، ج ۱، ص ۲۱۴.
۴۵. میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، *اسرار الصلوة*، ص ۵۳.
46. Dale Carnegie.
۴۷. دیل کارنگی، *آیین زندگی*، ترجمه ریحانه سیف، ص ۲۰۳.
۴۸. شیخ عباس قمی، *مفاتیح الجنان*، مناجات خمس عشر، مناجات هشتم). جهت آشنایی با آثار تربیتی، روان‌شناختی و معنوی عبادات ر.ک: علی‌احمد پناهی، آرامش در پرتو نیایش.
۴۹. برای شخصیت تعاریف زیادی ارائه شده از جمله آن را به مجموعه‌ای از خصوصیات نسبتاً ثابت و مداوم که فرد را از دیگری جدا می‌کند، تعریف نموده‌اند (سعید شاملو، *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*، ص ۱۳).
۵۰. شولتز دوان، *نظریه‌های شخصیت*، ص ۱۱۹.
۵۱. همان، ص ۲۴۵ - ۲۴۷.
۵۲. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۴۱، ص ۲۸۸.
۵۳. *نهج‌البلاغه*، ترجمه دشتی، ص ۶۷۲، قصار ۲۰۷.
۵۴. «وای بر نمازگزارانی که از نماز خود محافظت نمی‌کنند و اهمال دارند». (ماعون: ۴).
۵۵. بی.آر. هرگنهان، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*، ص ۴۲۳.
۵۶. دکتر بی.آر. هرگنهان، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*، ص ۳۷۹-۳۸۰.
۵۷. «مردم را با اعمال خود به خوبی‌ها دعوت کنید و نه فقط با زبان». (مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۵، ص ۱۹۸).
۵۸. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱۶، ص ۲۸۵.

منابع

- نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران، آموزش و انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲
- احمدی ابهری، علی، *اندیشه و رفتار*، مقاله نقش ایمان و اعتقاد مذهبی در درمان بیماری‌ها، ضمیمه ش ۹ و ۱۰، تهران، انستیتو روان پزشکی، ۱۳۷۶، ص ۴۰ - ۵۷.
- امام خمینی، *آداب الصلوة*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۰.
- آزموده، پیمان و همکاران، «نقش دین در زندگی»، *روان‌شناسی*، ش ۴۱، ۱۳۸۶، ص ۲۵ - ۴۰.
- بی‌ریا، ناصر و همکاران، *روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی*، تهران، سمت، ۱۳۷۵.
- پناهی، علی احمد، *آرامش در پرتو نیایش*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴
- حرّ عاملی، محمدبن حسن، *وسایل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۲ ق.
- حسینی دشتی، مصطفی، *معارف و معاریف*، قم، بی‌نا، ۱۳۷۶
- حیدری، مجتبی، *دینداری و رضامندی خانوادگی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌قدس سره، ۱۳۸۵.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد، *شرح غررالحکم و دررالکلم*، (تألیف تمیمی آمدی)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- دوان شولتز، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش، ۱۳۸۴.
- دیلمی، حسن بن محمد، *ارشاد القلوب*، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
- سالاری فر، محمدرضا، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
- شاملو، سعید، *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*، تهران، رشد، ۱۳۷۴.
- شجاعی، محمدصادق، *توکل به خدا*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌قدس سره، ۱۳۸۳.
- شجاعیان، رضا، «ارتباط دعا با سلامت روانی»، *اندیشه و رفتار*، ش ۳، ۱۳۸۱، ص ۵۸ - ۷۰.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *شیعه در اسلام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مکارم الاخلاق*، تهران، دار الکتب الاسلامی، ۱۳۷۶ هـ.ق.
- غباری بناب، باقر، «باورهای مذهبی و اثرات آنها در بهداشت روان»، *اندیشه و رفتار*، ش ۴، ۱۳۷۴، ص ۴۰ - ۵۸.
- فوتنانا، دیوید، *روان‌شناسی دین و معنویت*، ترجمه ساوار، تهران، ادیان، ۱۳۸۵.
- کارل، الکسیس، *نیایش*، ترجمه علی شریعتی، تهران، الهام، ۱۳۷۷.
- کارنگی، دیل، *آیین زندگی*، ترجمه ریحانه سیف، تهران، پیمان، ۱۳۸۰.
- متقی هندی، حسام‌الدین، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.
- ملکی تبریزی، میرزا جواد آقا، *اسرار الصلوة*، بی‌جا، پیام آزادی، ۱۳۶۵.
- مهاکم، رضا، *خانه‌گریزی دختران*، قم، مرکز پژوهش اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.
- میراحمدی‌زاده، علیرضا و همکاران، «رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن»، *اندیشه و رفتار*، ش ۳۲، ۱۳۸۲.
- نوری طبرسی، میرزاحسین، *مستدرک الوسایل*، بیروت، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق.
- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، *نقش دین در بهداشت روان*، تهران، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲.
- واعظی‌نژاد، حسین، *طهارت روح: نماز و عبادت در آثار شهید مطهری*، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۱.
- هاب واکر، ل، «دین به زندگی معنا می‌بخشد»، ترجمه اعظم پویا، *نقد و نظر*، سال هشتم، ش ۲۱، خرداد ۱۳۸۲، ص ۱۲۰ - ۱۴۵
- هرگنهان، بی.آر، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*، ترجمه علی اکبر سیف، تهران، دوران، ۱۳۷۷.
- یونگ، کارل گوستاو، *روان‌شناسی و دین*، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، شرکت نشر کتاب‌های جیبی، ۱۳۷۰.